

خنده در مخاطب منجر نمی‌شود و در رویکردی دوگانه ضمن تلاش در جهت عبور از سینمای مرسوم دفاع مقدس دهه شصتی و بیان مستقیم رشادت‌های دلاوران عرصه جبهه و جنگ و نمایش شیوه مرسوم سینمای قهرمان پرور دهه هفتاد و حفظ حریم کمدیهای مورد پسند جریان غالب سینمای دولتی، سعی در خلق کمدی‌های نزدیک به جریان اصلی سینمای بدنه دارد و بدین شکل در تلاش است ضمن نزدیک کردن محتوای فیلم به تولیدات سینمای بدنه، مخاطب را نسبت به داستان و حوادث فیلم علاقه‌مندتر کند.

هر چند که گروه بازیگران و جنس داستان نمی‌تواند کشش و تمایل کافی برای جذب مخاطب در گیشه را داشته باشد و ارجاعات چالش‌برانگیز فیلم بر تفکرات، عقاید و سیاست‌گذاری‌های سالهای آغازین انقلاب نیز چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در مجموع نمی‌توان فروش قابل توجهی را برای این فیلم در اکران عمومی انتظار داشت. گرچه که هزینه ساخت نسبتاً پایین این فیلم به نوعی توقعات تولیدکنندگان را نسبت به کسب درآمد آپاراتچی از گیشه کم میکند و به نوعی از امتیازات این فیلم محسوب می‌شود.

در این بین نمی‌توان از تلاش تورج الوند (که دو سال پیش با فیلم نگهبان شب (به کارگردانی رضا میرکریمی) در جشنواره فیلم فجر حضور داشت) برای خلق شخصیت جلیل چشم‌پوشی کرد و به بازی قابل قبول او در این فیلم اشاره‌ای نکرد.



اما نکته مورد بحث این فیلم، خلق موقعیت‌های کم‌جان کمدی در دل درام کم‌اثر آپاراتچی است. در واقع داستان در طراحی و ساختار، فاقد جذابیت‌های دراماتیک برای نسل سینماشناس و امروزی است و در کمدی، به جز چند سکانس محدود، چندان به ایجاد خنده در مخاطب منجر نمی‌شود

دارند با بهره‌گیری از عشق و علاقه کاراکتر اصلی به سینما، داستانی خود را روایت کنند و ضمن خاطره‌بازی با شاهکارهای سینمایی، تماشاگر را درگیر ماجراها و حوادث خود کنند پیدا کرد. از این رو داستان فیلم آپاراتچی که در پیرنگ با درگیری‌های پدر و پسری و تأثیر شخصیت‌های فیلم بر زندگی قهرمان فیلم همراه است و نمایش روند دل‌باختگی و داستان دلدادگی جلیل به سینما را نشان می‌دهد، وقتی با تمایلات کارگردان و فیلمنامه‌نویس در جلب توجه مخاطب به ارجاعات تاریخ سینما و لحاظ کردن گرایشات سینه قبلی و بهره‌گیری از ملودی‌های ساخته شده توسط انیو موریکونه در فیلم همراه می‌شود به مهر تأییدی بر تأکید فیلمساز برای ساخت نسخه‌ای بومی بر مبنای داستانی واقعی و اقتباسی از برخی آثار سینمای جهان بدل می‌شود؛ نسخه‌ای که در پایان‌بندی با ارجاع به روایتی مستند و حقیقی، آخرین تلاش‌های خود را برای جلب نظر مخاطب و همذات‌پنداری با تماشاگر می‌کند.

اما نکته مورد بحث این فیلم، خلق موقعیت‌های کم‌جان کمدی در دل درام کم‌اثر آپاراتچی است. در واقع داستان در طراحی و ساختار، فاقد جذابیت‌های دراماتیک برای نسل سینماشناس و امروزی است و در کمدی، به جز چند سکانس محدود، چندان به ایجاد

قربانعلی طاهر فر که سابقه ساخت تله‌فیلم‌ها و سریال‌های زیادی را در کارنامه خود دارد، اولین فیلم بلند سینمایی خود را در جشنواره چهل و دوم فجر به نمایش گذاشت. فیلمی که با تکیه بر پتانسیل سینمای بومی در شهر زادگاه کارگردان و به زبان آذری ساخته شد و ضمن بهره‌گیری از توان سینمایی عوامل شهرستانی و توجه به بافت اجتماعی و فرهنگ فولکلوریک مردم منطقه، نیم‌نگاهی به سرگذشت زندگی مردی به نام جلیل طائفی دارد؛ مردی عاشق و پیگیر سینما که تمام زندگی و درآمد خود را صرف سینما کرده است.

حسین تراب نژاد (فیلمنامه‌نویس) و قربانعلی طاهر فر (کارگردان) با اقتباسی آزاد از کتاب آپاراتچی (نوشته روح‌الله رشیدی) علاوه بر نمایش زندگی سخت، باورهای غلط، گرایشات فرهنگی و اقتصادی و تمایلات اجتماعی مردم در دهه شصت، در این فیلم به نوعی ادای دینی به سینما می‌کنند و با رویکردی ستایشگرانه از تمایلات فردی و فکری قهرمانی تأثیرگذار و مردمی، سعی در نشان دادن میزان لذت و در عین حال اهمیت هنر سینما برای عده قابل توجهی از مردم در دوران سخت دفاع مقدس و جنگ تحمیلی دارند.

در واقع می‌توان تشابهاتی موضوعی میان این فیلم با فیلم‌هایی از تاریخ سینما که قصد

آپاراتچی؛ بی‌ریا و متواضع

آراز مطلب‌زاده *

در میان حجم انبوهی از فیلم‌های متختر ارگانی و فیلم‌های حقیر بیش بها داده شده «آپاراتچی» فیلمی است بی‌ریا، متواضع و تاحدی دلنشین در رثای عشق به سینما. فیلم با لحنی شیرین و خودمانی - خواسته یا ناخواسته - به بازخوانی دهه ۶۰ پرداخته است. قهرمان فیلم در دل هیاهوهای دهه ۶۰ به دنبال معشوق خود، سینماست و در پی این هدف به هر روشی متوسل می‌شود تا خانواده، جامعه و حاکمیت این عشق را به رسمیت بشناسند. عشقی سحرآمیز که قادر است آدم‌ها، روابط و باورها را دگرگون سازد و گفتمان دگماتیک حاکم بر آن سال‌ها را دستخوش انعطاف کند. فیلم در این مسیر ابتدا به ورطه نوستالژی پروری نمی‌افتد، ارجاعاتی خوشایند و دقیق به سینمای ایران و جهان دارد و با خلاقیتی کمیاب با مفاهیمی مقدس مثل شهید شوخی می‌کند. البته آپاراتچی خالی از ایراد نیست. ایراد عمده‌اش هم به بحران هویت بومی/زبانی‌اش بازمی‌گردد. فیلم اگر به زبان ترکی ساخته می‌شد و از عناصر جغرافیایی و هویتی آذربایجان بهره‌های بهتری می‌جست، قطعاً نتیجه مطلوب‌تر می‌شد. با این حال همچنان هم جزء انگشت‌شمار آثار جشنواره است که مخاطب را آزار نمی‌دهد، به شعورش توهین نمی‌کند و تا پایان در سالن سینما نگهش می‌دارد.

* منتقد

